

نقش برجسته سرحانی، نویافته‌ای از دوره الیمایید

حسنعلی عرب*

مجید سروش نیا**

چکیده

نقوش برجسته الیمایید دارای شاخصه‌هایی هستند که اغلب شناخته شده است. در بازدیدی که در منطقه رامهرمز صورت گرفت؛ نقش برجسته سرحانی کشف گردید. در این مقاله پس از معرفی نقش برجسته نویافته سرحانی؛ آن را از لحاظ موضوعی و سبکی مورد بررسی قرار داده و گاهنگاری آن را ارائه می‌نماییم.

کلیدواژه: الیمایید ها، نقش برجسته سرحانی، استودان، مذهب الیمایید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جامع شوشتر، دانشجوی دوره دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس - Has_arab@yahoo.com.

** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد جامع شوشتر؛ کارشناس سازمان میراث فرهنگی خوزستان (رامهرمز).

درآمد

پاتس (۱۳۸۵، ۵۷۶) با اتکا بر منابع یونانی و لاتین دروه الیمایدها را دوره جدید حکومت ایلامیان تشخیص داده است. گرچه گاهی یکی بودن ایلامیان و الیمایدها زیر سوال برده شده (alizadeh; 1985)، اما برخی همچنان الیمایدها را با ایلامیان یکی می‌دانند. واندنبرگ و شیمن واژه الیماید را مشتق از نام عبری ایلام می‌دانند (واندنبرگ و شیمن، ۱۳۸۶: ۷). استرابو ناحیه اصلی الیماید را کوه‌های بختیاری و بخش مرکزی رشته کوه‌های زاگرس می‌داند (استرابو؛ ۱۳۸۲؛ ص ۳۲۳). همچنین بر اساس برخی منابع، چندین پادشاه سلوکی و اشکانی، به ویژه آنتیوخوس سوم و چهارم و مهرداد اول به آنها حمله کرده‌اند.

با توجه به دشواری تعیین دقیق محدوده‌های جغرافیایی الیماید که به نسبت مرزهای تحت کنترل پارتنی موجودیتی متغیر در همه دوران داشت؛ قرار دادن نقش برجسته‌ای در دسته الیماید و نه پارتنی، همواره کار آسانی نیست (پاتس، ۱۳۸۵: ۶۱۶) اما معمولاً بر سر الیماید بودن نقوش برجسته تعدادی از مکان‌ها از جمله خونگ نوروزی، خونگ یار علیوند، خونگ کمالوند، تنگ بتان، برد بت، کوه تراز، تنگ سروک، نقوش برجسته الگی، دره دژ و برد گوری چنگه که اکثرشان در کوه‌های شمال ایذه و شمال شرق شوشتر واقع‌اند؛ اتفاق نظر کلی وجود دارد. هدف اصلی این مقاله معرفی و گاهنگاری نقش برجسته نویافته سرحانی است.

موقعیت جغرافیایی نقش برجسته و استودان‌های سرحانی^۱

در تقسیمات سیاسی امروز، صیدون شهر کوچکی واقع در جنوب شهرستان باغملک از استان خوزستان است. به ترتیبی این منطقه را می‌توان انتهای چین خوردگی‌های زاگرس محسوب نمود. روستای کوچک سرحانی در چهار کیلومتری جنوب غربی صیدون و در میان بلندی‌های برآفتاب منگان قرار دارد. چشمه‌های زیادی در اطراف و داخل روستا دیده می‌شود که قسمتی از آب روستا را تامین می‌کنند. نقش برجسته و استودان‌های سرحانی در سه کیلومتری جنوب غربی روستا قرار

داشته و دسترسی به آنها تنها از طریق جاده‌ای مالرو که از جنوب روستا به سمت مزارع مشرف بر روستا ادامه می‌یابد؛ امکانپذیر است. این جاده پس از طی مسیری پر پیچ و خم و پس از گذر از بلندی به نام گردکی به سمت دره دری جوک سرازیر می‌شود که رودخانه دایمی رونو در آن جریان دارد. نقش برجسته و استودان سرحانی مشرف بر رودخانه قرار گرفته‌اند. مختصات جغرافیایی نقش برجسته "N:31° 21' 963" و "E:049° 57' 986" و ارتفاع آن از سطح آب‌های آزاد ۸۰۴ متر است (نقشه ۱).



نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی نقش برجسته سرحانی.

استودان‌ها و نقش برجسته سرحانی (توصیف اثر)

کوه گردکی با ارتفاعی کم و با بستری صخره‌ای، دیواره‌ای عمودی را تشکیل داده است. دو استودان در این دیواره ایجاد شده‌اند. نمای این دو استودان به سمت جنوب غربی است و آفتاب تنها به صورت مایل و تا ورودی آنها می‌تابد و مستقیماً به داخل آن راه نمی‌یابد. این دو استودان به فاصله ۴/۱۰ متر از یکدیگر قرار گرفته‌اند. استودان شرقی در ارتفاع ۲/۳۰ متری از سطح زمین و استودان غربی در ارتفاع ۲/۷۰ متری از سطح زمین قرار گرفته است. ابعاد و اندازه‌های استودان شرقی بزرگتر و قسمت داخلی آن پرکارتر ساخته شده و از ارزش بیشتری نسبت به نمونه غربی برخوردار است (تصویر شماره ۱).

استودان غربی ابعاد کوچک‌تری نسبت به استودان شرقی دارد؛ به این ترتیب که ورودی آن دارای ۶۵ سانتیمتر ارتفاع و ۴۵ سانتی متر عرض است. اتاقک آن ساده بوده و ۱۲۰ سانتیمتر طول، ۹۰ سانتی متر عرض و ۱۰۰ سانتیمتر ارتفاع دارد. به نظر می‌رسد که ورودی آن بدون درب بوده و برای جلوگیری از نفوذ نور خورشید به داخل آن و آلوده شدن نور خورشید در

۱- این اثر برای نخستین بار توسط آقای مجید سروش نیا، کارشناس میراث فرهنگی رامهرمز کشف گردیده و در اسفند ۱۳۸۷ ضمن بازدید مجدد، به طور کامل مستند نگاری شد. در این بازدید آقایان عرفان سعیدی، علی ادیبی و علی ترابی زاده نیز ما را همراهی کردند که صمیمانه از ایشان سپاسگذاریم.

شرقی در مرکز تخته سنگ تراشیده شده، احتمالاً نقش برجسته پس از ایجاد استودان به کنار آن افزوده شده و به نظر می‌رسد استودان شرقی و نقش برجسته در ارتباط مستقیم با یکدیگرند. این نقش برجسته ۶۴ سانتی‌متر ارتفاع دارد و عرض آن در بیشترین قسمت ۵۵ سانتی‌متر است (تصویر شماره ۲).

در اینجا تصویر مردی در حال انجام مراسم تقدس آتش ترسیم گردیده است. او در حالی که از روبرو نمایش داده شده، دست چپش را بر روی غلاف خنجر کوتاه که به کمر بسته شده، قرار داده و با دست راست در حال انجام مراسم است.

موهای وی به صورت پف کرده در دو طرف شقیقه‌ها کاملاً مشخص است و به نظر می‌رسد که پیشانی‌بندی نیز بر پیشانی دارد. صورت وی گرد ولی جزییات صورت آن نامشخص است. این فرد ملبس به لباسی است که در ناحیه بالا به صورت چسبان و در قسمت پایین به صورت یک دامن باز مشاهده می‌شود. هر دو پای فرد از پهلو و به صورت نیم رخ نمایش داده شده؛ هر چند به دلیل تخریب‌های صورت گرفته، پای راست نقش از بین رفته است. اما در بازسازی، می‌توان پای دیگر را نیز به همین شکل متصور شد. به نظر می‌رسد این فرد کفش‌هایی چسبان به پا دارد.



تصویر شماره ۲- نقش برجسته سرحانی در کنار استودان شرقی و تخریب پای راست آن.

در سمت چپ این فرد شنلی قرار دارد که از زیر گردن او شروع شده و هر چه به سمت پایین می‌آید؛ عرض آن بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد که هنرمند در این قسمت تصمیم بر نشان دادن شنلی داشته که در حقیقت در پشت این فرد آویزان بوده است.

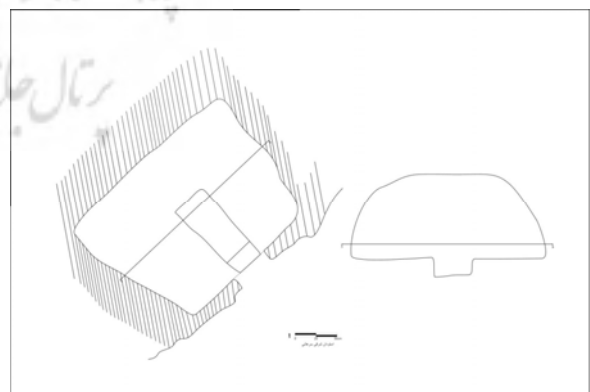
آتشدان به صورت یک ظرف پایه‌دار که شعله‌های آن زبان

برخورد با استخوان‌ها، ضخامت قسمت ورودی را تا ۵۰ سانتی‌متر افزایش داده‌اند.



تصویر شماره ۱- موقعیت استودان‌ها و نقش برجسته نسبت به یکدیگر.

استودان شرقی دارای اتاقکی با شکل نامنظم است. به این ترتیب که عرض آن در قسمت ورودی ۱/۹۰ متر و در انتها ۲/۵ متر؛ طول آن ۱/۸۰ متر و ارتفاع آن ۱۰۰ سانتی‌متر است. در کف این اتاقک و در نزدیکی ورودی، یک فرورفتگی در جهت طولی اتاقک به طول ۱۱۰ سانتی‌متر و عرض ۲۰ سانتی‌متر در ابتدا و ۵۰ سانتی‌متر در انتها و عمق ۲۰ سانتی‌متر در امتداد عرض اتاقک ایجاد شده که احتمالاً محل قرار گرفتن استخوان‌ها است. پلان این اتاقک شباهت کامل به استودان‌های بررسی شده در منطقه گتوند دارد (درخشی و دیگران، ۱۳۸۶). ورودی این استودان دارای ۷۰ سانتی‌متر ارتفاع و ۴۱ سانتی‌متر عرض بوده و از قسمت داخل دارای حفره‌هایی جهت قرارگیری درب استودان است. درب به سمت داخل باز می‌شده و با توجه به کولون موجود در سمت دیگر ورودی، این درب پس از قرار دادن استخوان‌ها درون استودان، قفل می‌شده است (نقشه ۲).



نقشه ۲- پلان و برش استودان شرقی سرحانی.

اما آنچه اهمیت این استودان را دو چندان می‌کند؛ نقش برجسته کنار ورودی این استودان است. با توجه به اینکه استودان

می‌توان در نوشته‌های نویسندگان یونانی و رومی مشاهده نمود. بنا بر برخی منابع، آتش جاودان را در شهر آساک نگهداری می‌کردند (کالج، ۱۳۸۵: ۸۹). صدها نقش برجسته در پالمیر و چند نقاشی در دورا اوراپوس با همین مضامین آمده است که آنها را به ۵۰ تا ۱۰۰ میلادی نسبت داده‌اند (کالج، ۱۳۸۵: ۱۴۴).



تصویر شماره ۳- قسمتی از تخته سنگی که مراسم اهداء نذورات به آتشدان را نشان می‌دهد، برداشته (عکس از عرب، موزه ملی).

نقش برجسته روی قطعه سنگ بزرگ در بیستون نیز از بسیاری جهات با نقش سرحانی قابل مقایسه است (فون گال، ۱۳۸۵: ۱۲۲-۱۲۱). موضوع اصلی این نقش (انجام مراسم مذهبی در کنار آتشدان)، ردایی بر شانه فرد سمت چپ، ساختمان کوتاه و پهن بدن، سری که در میان شانه‌ها فرو رفته و طراحی مدور چهره از موارد قابل مقایسه این نقش با نقش برجسته سرحانی است. همچنین تعداد زیادی نقش برجسته نیز در کوه‌های منطقه بختیاری قرار دارند که در ارتباط با الیمایدها شناخته شده‌اند. در این منطقه، حالت پرستش در مقابل آتشدان را می‌توان در نقوش تنگ بتان شیمبار، تنگ سروک I (سطح شمال غربی و سطح شرقی) و II (زاویه شمالی و سطح شمال غربی) و احتمالاً IV (واندنبرگ و شیمن، ۱۳۸۶: ۱۱۱)، نقش برجسته‌ای از برداشته (تصویر شماره ۳) و دخمه دره دز (حیدری، ۱۳۷۷: ۲۱۰) مشاهده نمود.

ایستادن شخص در حالتی که یک دست را در جلوی بدن نگاه

کشیده با ۲۸ سانتی‌متر ارتفاع در کنار پای راست این شخص قرار دارد.

هر چند این نقش از تکنیک حجاری بالا و اسلوب زیبایی شناختی کافی بهره‌مند نیست؛ اما در برخی از قسمت‌ها هنرمند حجار سعی کرده تا برخی جزئیات مانند برجسته نشان دادن سینه‌ها و شکم یا تفکیک پاها در زیر دامن که حالتی از نرمی و لطافت لباس را متصور می‌سازد؛ به نمایش درآورد. برجستگی نقش نیز در تمام قسمت‌ها به طور یکسان نیست و بیشترین مقدار آن حدود ۶ سانتی‌متر است.

اجرای تصویر از روبرو، نشان دادن حجم موها در دو طرف سر و سربند بر روی موها، مراسم تقدس آتش در کنار آتشدان، نوع پوشش نقش برجسته، شال و سلاح وی و وجود استودان‌ها در دو سوی نقش برجسته، مهم‌ترین ویژگی‌های این اثر به شمار می‌روند.

تشابهات موضوعی و سبکی و گاهنگاری نقش برجسته

نقش برجسته سرحانی از جمله نقوش برجسته ایست که صرفاً به منظور نشان دادن مراسم مذهبی تقدس آتش ترسیم گردیده است. همانطور که استرابو نیز می‌آورد افراد به هنگام اجرای این مراسم برای جلوگیری از آلودن آتش «به دور سر خود عمامه‌های بزرگ نمدی می‌پیچند» (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۴) که می‌توان نامشخص بودن جزئیات صورت نقش را در ارتباط با این عمل دانست؛ هرچند چیزی از دهان بند (پن‌ام) او مشخص نیست. در ضمن اغلب نقوش برجسته الیمایده نیز فاقد جزئیات در چهره هستند. این عنصر نقشی، یادآور نقوش هخامنشی در نقش رستم، تخت جمشید و برخی تصاویر حکاکی شده بر روی مهرها و جواهرات این دوره (واندنبرگ و شیمن، ۱۳۸۶: ۱۱۱) و نقوش قبور صخره‌ای قیزقاپان و سکاوند است.

به طور کلی مضمون پرستندگانی که در کنار بخوردان در حال نیایشند؛ یکی از رایج‌ترین موضوعات هنر اشکانی است که در دوره ساسانی از رواج می‌افتد و دیگر دیده نمی‌شود.^۲

اهمیت پرستش آتش و نشان اهورامزدا در دوره اشکانی را

۲- هر چند می‌توان در این زمینه یکی از نخستین نقش برجسته‌های دوره ساسانی یعنی نقش برجسته اردشیر در فیروزآباد را آخرین آنها برشمرد.

در سکه‌های الیماید که چهره پادشاه از روبرو تصویر شده نیز پادشاه دارای سربندی است (ملکزاده بیانی، ۱۳۸۵: ج ۲: ۴۹) و به نظر می‌رسد پیشانی بند از جمله البسه رایج در این دوره محسوب می‌گردیده است.

به این ترتیب برخی از ویژگی‌های نقوش برجسته الیماید از جمله ساخت ابتدایی و خشن آنها، تمام رخ بودن، صلابت، خطی بودن نقوش، بدوی بودن و نبود تنوع در انتخاب موضوعات تصویری (واندنبرگ و شیپمن، ۱۳۸۶: ۱۲۸) در اکثر آنها مشترک است.

نقوش برجسته تنگ بتان شیمبار از لحاظ موضوعی و سبکی تا حدود زیادی به نقش برجسته سرحانی شباهت دارند. این نقوش حتی در حالت ایستاده نیز با هم مشابهند و شاید به نوعی بتوان گفت که نقش برجسته سرحانی تقلیدی خام دستانه از نقش برجسته شیمبار است. این نقوش بر اساس مقایسه‌های خط شناسی اغلب به قرن دوم میلادی تاریخگذاری شده‌اند (واندنبرگ و شیپمن، ۱۳۸۶: ۵۹).

بین نقش برجسته سرحانی و نقوش ساقه ستونی از مسجد سلیمان، ستون و سرستون‌هایی از بردنشانده، ساقه ستون دیگری از ایزده (تصاویر ۳ و ۴) (رضایی‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۳۴) و نگارکند الگی (مهرکیان، ۱۳۸۱: ۸۳) شباهت‌هایی دیده می‌شود. این نقوش بر اساس مدارک سکه‌شناختی (Girshman, 1976: 40) سفال (Haerinck, 1983: 14) و سبک‌شناسی (مهرکیان، ۱۳۸۱: ۸۳) به قرون دوم و سوم م. تاریخ گذاری شده‌اند.

نقوش برجسته تنگ سروک I، II و IV شال‌هایی دارند که از جلو شانه چپ آنها آویزان بوده و پوشش‌های دیگر آنها نیز کاملاً الیماید است که اغلب آنها را متعلق به قرن دوم میلادی دانسته‌اند (واندنبرگ و شیپمن، ۱۳۸۶: ۹۳-۹۰).

از طرفی چهره‌نگاری از روبرو نیز در هنر اشکانی از اواخر سده اول ق.م و در نواحی غربی (نخست در پالمیر) رواج یافت و در اواسط سده اول میلادی این شیوه هنری در غرب ایران نفوذ یافت و در اواخر این دوره رواج کامل یافت. از میان ۷۵ شخصیت نقش شده در میان نقوش برجسته الیماید فقط دو شخصیت در نقوش برجسته خونگ نوروژی و یکی در دره‌دز کاملاً از نیم رخ هستند (واندنبرگ و شیپمن، ۱۳۸۶: ۱۰۴؛

داشته و دست دیگر را به کمر زده نیز در اغلب نقوش الیماید دیده می‌شود. این حالت در خونگ نوروژی (فرد وسطی و اولین فرد سمت راست)، در تنگ بتان شیمبار، در تنگ سروک II (افراد صحنه میانی روی وجه شمال غربی) (واندنبرگ و شیپمن، ۱۳۸۶: ۱۰۵) و در مسجد سلیمان (تصویر شماره ۴) دیده می‌شود.



تصویر شماره ۴- (راست) پایه ستون بدست آمده از معبد بزرگ مسجد سلیمان، موزه شوش (عکس از عرب) - (چپ) میان ستون رضایی‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۳۸).

جزئیات لباس نقش برجسته سرحانی نیز قابل توجه است. در واقع به نظر می‌رسد که لوله شدن شنل بر شانه چپ جزء اصلی البسه ویژه الیماید در دوره یونانی- رومی باشد (فون گال، ۱۳۸۵: ۱۲۳). در خارج از سرزمین الیماید تنها می‌توانیم این شنل را در بیستون ببینیم و در الیماید افرادی در نقش برجسته‌های خونگ نوروژی، تنگ بتان شیمبار، تنگ سروک I (سطح شمال غربی)، تنگ سروک I (سطح شمالی؟)، تنگ سروک I (سطح شرقی)، تنگ سروک II (سطح شمال شرقی، صحنه پایینی)، تنگ سروک II (زاویه شمالی و سطح شمال غربی)، تنگ سروک IV (سطح شمالی) و تنگ سروک IV (سطح شرقی) همگی دارای شالی هستند که از جلوی شانه آنها تا پایین زانو آویخته است (واندنبرگ و شیپمن، ۱۳۸۶). دیگر مشخصات پوشش نقوش برجسته شیمبار شامل جامه بلند که تا زانو پایین آمده، کمر بند و شلوار گشاد آنها (واندنبرگ و شیپمن، ۱۳۸۶: ۵) و تصور شماره ۴ (چپ)) نیز شباهت کاملی به نقش سرحانی دارد.

و نقش آنها در سرزمین الیمایدها اشاره دارد و تاکید دارد که بزرگان قبایل زیر بار اطاعت از شاه پارس نمی‌رفتند (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۴۲). محل کشف نقش برجسته این مقاله به دلیل ساختار کوهستانی خود دارای حداقل زمین‌های مستعد کشاورزی است و امروزه نیز در آن محل کوچگران چادرهای خود را برپا می‌کنند. به نظر می‌رسد این رویه معیشتی در دوران باستان نیز در این منطقه رایج بوده و یکی از بزرگان قبایل (حاکمی محلی یا منطقه‌ای؟) تحت نفوذ شاه الیماید بر این محل یا منطقه تسلط داشته و جهت نهادینه کردن قدرت و جایگاه اجتماعی خویش و از رهگذر ارتباط با شاه الیماید، دستور بر ایجاد این نقش داده است.

حیدری، ۱۳۷۷ و مهرکیان، ۱۳۸۱). بنابراین تمام رخ بودن از مشخصه‌های اصلی نقوش برجسته الیماید به شمار می‌آید. با توجه به نمونه‌های قابل مقایسه با نقش برجسته سرحانی، این نقش به سده دوم میلادی یعنی زمانی که الیمایدها به قدرتی محلی تبدیل شده بودند؛ تعلق دارد. کم کار بودن نقش نشان می‌دهد که هزینه زیادی جهت ساخت آن پرداخت نشده و از این نظر قابل مقایسه با دیگر نقوش پرکار الیمایدها نیست و شاید به نحوی نشانگر تقسیم نابرابر قدرت در جامعه الیمایدها نیز باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که این نقش به دستور یکی از خان‌ها یا حاکمان جزء محلی ایجاد شده است. استرابو نیز به بزرگان قبایل

منابع

فارسی

- استرابو، ۱۳۸۲، جغرافیای استرابو، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، انتشارات موقوفات دکتر افشار.
- کالج، م.، ۱۳۸۵، پارتیان (چاپ سوم)، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، نشر سحر.
- پاتس، د.، ۱۳۸۵، باستان‌شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت.
- ملکزاده بیانی، ۱۳۸۵، تاریخ سکه (چاپ هفتم) (جلد ۲)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- حیدری، ا.، ۱۳۷۷، آثار الیماید در ارتفاعات سوسن (ایذه)، فصلنامه علمی، فنی و هنری اثر، شماره ۳۰-۲۹، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۲۳۲-۲۰۴.
- مهرکیان، ج.، ۱۳۸۱، نگار کند الیماید الگی به شووه الگی، نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی، شماره نخست، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۸۷-۸۱.
- درخشی، ح.، عرب، ح.، و کریمی‌وند، ق.، ۱۳۸۶، مجموعه مقالات نخستین همایش منطقه‌ای باستان‌شناسی، به کوشش حسین علی‌زاده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه.
- واندنبرگ، ل.، و شپمن، ک.، ۱۳۸۶، نقوش برجسته الیماید، ترجمه یعقوب محمدی‌فر و آزاده محبت‌خو، تهران، انتشارات سمت.
- غیرفارسی
- رضایی‌نیا، ع.، ۱۳۸۴، نقش و کاربرد ستون در معماری اشکانی، مجموعه مقالات دومین همایش باستان‌شناسان جوان ایران (دانشگاه تهران - ۸ و ۹ اردیبهشت ۱۳۸۲)، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، صص ۳۵۵-۳۲۷.
- Alizadeh; A., 1985, Elymaean Occupation of Lower Khuzestan During the Seleucid and Parthian Periods: A proposal, *Iranica Antiqua* 20, pp: 175-195.
- Ghirshman, R., 1976, *Terrasses Sacrees de Bard-Nechandeh et Masjid-I Solaiman*, 2 vols., MADI, Paris.
- Haerinck, E., 1983, *La Ceramique en Iran Pendant la Periode Parthe*, *Iranica Antiqua*, Supplement 2.
- فون‌گال، ه.، ۱۳۸۵، نقش برجسته روی قطعه سنگ بزرگ در کنار دامنه پارتی بیستون: کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۳، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۱۲۹-۱۲۱.